

آگاہی و تعهد

توده های آگاہ و متعهد ، با تاکتیک های دلیرانه خود
ضرباتی گیج کننده و مهلك بر طاغوت و سرد نشان وارد
می سازند.

ارزنده ترین قشرا اجتماع ، توده های آگاہ و متعهد هستند ، اینها ایند که خاری در چشم
قدرتمندان و سدی عظیم در راه آنان هستند.

این توده ها گرچه اربلحاظ نیروی مادی ضعیف و در دام استضعاف گرفتارند . اینها
گرفتار تب ۳۸ درجه استضعافند ولی چون آگاہند ، تلاش می کنند که خود را از این تب
نیمه خطرناک ، رها سازند.

بدبخت ترین ملتها ، ملتی است که در برابر شرستم پیشه مستکبر ، مستضعفان آگاہ
و متعهد نداشته باشد ، یا مستضعفانش همگی نا آگاہ یا اگر آگاہ باشند ، غیر متعهد و غیر
مسئول باشند .

در اینجا توجه داشته باشیم که مقصود ما از آگاہی مستضعف ، آن چنان آگاہی همه
جانبه ای است که نه تنها تشخیص میدهد که چگونه مستکبر به حیلہ گری و اعمال قدرت و
وفشار می پردازند ، بلکه از راه و روش و تاکتیک مبارزاتی نیز آگاہی دارد و میدانند که چگونه
مبارزه کنند که هم نیروی مستضعفان درهم کوبیده نشود و هم مستکبران ، چنان ضربه ای
بغورند که ناچار شوند بطور چشم گیر و قابل توجهی عقب نشینی کنند .

تاکتیک نه سازشکاری

اینجاست که انسان بهتر متوجه می شود که چرا هارون - برادر حضرت موسی - در برابر سامری و گوساله اش سکوت می کند و حضرت یوسف ، به فرعون مصر پیشنهاد می - کند که :

: «مرا بر خزانه های زمین بگمار (امور کشاورزی مصر را به من بسیار) که من نگیانی

دانا هستم». (۱)

اینها همه تاکتیک است، نه سازشکاری و محافظه کاری. نه هارون مردی محافظه - کار بود و نه یوسف، مردی سازشکار. آنها در برابر موج شوم استکبار زمان، راهی بهتر از این نداشتند. آنها با آگاهی تمام، این راه را برگزیدند و مسئولیت الهی و مردمی خود را به نحو مطلوب ایفاء کردند.

مستضعفان آگاه برای اداء دین انسانی و خدائی خود، گاهی می کشد، گاهی کشته می شود، گاهی سکوت می کند، گاهی فریاد می زند، گاهی می نویسد، گاهی بر مسند تدریس شاکرد می پرورد ...

گاهی به کشته گشتن و گاهی به کشتن است تبلیغ دین به هر چه زمان اقتضا کند امیرمؤمنان علی (ع) طی مدت ۲۳ سال دوره نبوت حضرت محمد (ص) جنگید و طی ۲۵ سال خلافت سه خلیفه سکوت کرد و طی پنج سال دوره خلافت خود در سه جبهه با قاسطین (در صیفین) و ناکثین (در بصره) و مارقین (در نهر وان) جنگید. اینها اگر چه هر کدام با ایده و مرام خاصی در برابر علی (ع) جبهه گیری می کردند، اما همه آنها در به انزوا کشانیدن اسلام راستین نقشی همسان داشتند.

وقتی از امام رضا (ع) می پرسیدند که چرا ولایتعهدی مأمون عباسی را قبول کرده است می فرمود: به همان دلیل که یوسف، وزارت فرعون زمان خود را پذیرفت.

صلاح امام حسن مجتبی، هیچ علتی نداشت جز اینکه جنگ و خونریزی با معاویه به صلاح مستضعفان نبود. زیرا شرایط، طوری بود که اگر جنگ ادامه می یافت، کشور نو - ظهور اسلامی آن روز. در معرض حمله رومیان که سخت از نفوذ اسلام در جهان به وحشت افتاده بودند، قرار می گرفت و اصل اسلام به خطر می افتاد. بهیمن جهت بود که حضرت در نامه ای به معاویه نوشت:

۱ - اجعلنی علی خزائن الارض انی حفیظ علیم (یوسف ۵۵)

اگر ترجیح میدادم که بایکی از اهل قبله بجنگم، باتو آغازه جنگ می کردم، من ترا برای مصلحت مسلمانان و حفظ خون ایشان رهاساختم». (۱)

جنگیدن و شهادت مظلومانه امام حسین (ع) نیز تا کتیک دیگری بود که در شرایط اجتماعی خلافت جابرانه یزید، به کار رفت و ضربه ای محکم بر پیکر همه مستکبران ددمنش در سراسر تاریخ فرود آورد.

تقیه یا مبارزات سری

عمار، یکی از اصحاب راستین پیامبر گرامی اسلام است. هنگامی که مشرکین او و پدر و مادرش را گرفتار کردند، از آنها خواستند که دست از پیروی آئین جدید بردارند، تا آزاد شوند.

پدر و مادر عمار تسلیم نشدند و کشته شدند. لکن عمار - ظاهر آ - تسلیم شد آزاد گردید. در رابطه با همین جریان بود که این آیه نازل شد:

«هر کس بعد از ایمانش، به خدا کفر ورزد و قلباً کافر گردد، گرفتار خشم خدا می شود ولی اگر از روی اکراه و اجبار سخنی بگوید و قلبش بوسیله ایمان اطمینان یافته باشد، گناهی براو نیست». (۲)

این آیه، تا کتیک «تقیه» را به مستضعفان آگاه و متعهد می آموزد. تقیه، سپرو پوشش است مستضعف آگاه، در زیر این پوشش، خود را از دسترس مستکبران عصر خود مخفی می دارد تا از شر او مصون بماند و در موقع مناسب بتواند بر او ضربه وارد کند.

اینجا انسان مبارز، گرچه بر حسب ظاهر لباس سازش و تسلیم می پوشد، ولی در حقیقت اهل تسلیم و سازشکاری نیست. بلکه در این لباس، بهتر می تواند خود را از خطرات استکبار مصون داشته، انجام وظیفه نماید.

«هیچ مؤمنی حق ندارد با کافران رابطه دوستی و ولایت، داشته باشد و اگر کسی چنین کند، کارش غیر خدائی است. مگر اینکه در شرایطی قرار داشته باشید که ناچار باشید،

۱- لو آثرت ان اقاتل احدا من اهل القبلة لمدات بقتالك فانی ترکتک
لصلاح السلمین وحقن دمائهم.

۲- من کفر بالله من بعدا یمانه الا من اکره وقلبه مطمئن بالايمان ولكن
من شرح بالكفر صددا فعليه غضب من الله.

از آنها تقیه کنید و خفاوند، شما را از کثیر خویش بر حذر می‌دارد و بازگشت به سوی خداست.» (۱)

شناخت «تقیه» و فایده کاربرد آن، بسیار ضروری است، زیرا پیامبر گرامی اسلام فرموده است:

لادین لمن لا تقیه له (تفسیر المیزان ج ۳ ص ۱۷۴)

: کسی که تقیه ندارد، دین ندارد.

و نیز امیر مؤمنان (ع) با اشاره به آیه مزبور در فوق، می‌فرماید:

: «خداوند ترا فرمان داده است که در دینت تقیه کنی، به تومی گوید: مبدا خود را در معرض هلاک قرار دهی و تقیه را - که به تو فرمان داده‌ام - ترک کنی زیرا خون خود و برادرانت را به هدر میدهی و نعمتهای خود و آنها را به دست زوال می‌سپاری و آنها را در دست دشمنان دین خدا خوار می‌سازی و حال آنکه خدا ترا امر کرده که آنها را عزت بخش.» (۲)

باتوجه به اهمیت تقیه و توصیه‌های پیامبر خدا (ص) و امیر مؤمنان (ع) لازم است هر فرد مؤمن و مسلمانی به ارزش و فایده و کاربرد تقیه، آگاه باشد، تا بهتر بتواند در راه اعتلاء مکتب، خدمت کند و بیهوده نیروها را به هدر ندهد و به علاوه، تقیه را وسیله‌ای برای گریز از جهاد و مبارزه قرار نداده، از آن سوءاستفاده نکند.

مؤمنی که خود را زیر پوشش تقیه قرار میدهد، به لباس دشمن درمی‌آید و به سلاح دشمن مسلح می‌شود و با او مصداق می‌گردد و آن چنان غافلگیرش می‌کند، که نداند از کجا ضربه خورده و چگونه گنجگاهی مورد هدفگیری واقع شده است.

«علی بن یقطین» از کارمندان عالی رتبه هارون الرشید عباسی و از شیعیان خالص حضرت موسی بن جعفر (ع) بود و به دستور آن امام بزرگ، همچون اهل تسنن وضو میگرفت

۱- لا یتخذ المؤمنون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین ومن ینفعل ذلک فلیس من الله فی شئی الا ان تتقوا منهم تقیه و یحذرکم الله نفسه والی الله المصیر (آل عمران ۲۸)

۲- وامرک ان تستعمل التقیه فی دینک فان الله یقول: وایاک ثم ایاک ان تعرض للهلاک وان تعرک التقیه الی امرک بها فانک شالط بدمک ودماء اخوتک معرض لئوال نعمک و نعمهم مذللهم فی ایدی اعداء دین الله و قد امرک الله باعزازهم (مدرك فوق)

وخدمات ارزنده‌ای برای شیعیان انجام میداد.

این دیگر وظیفه خود مستضعفان آگاه و متعهد است که با توجه به شرایط و مقتضیات زمان، شکل مبارزه و تاکتیک آن را انتخاب کنند. مبارزه یا مخفی است یا علنی و برای هر کدام از آنها هم می‌توان اشکال و صور گوناگونی فرض کرد تا کدامیک، در مطالعات و مشاورات مستضعفان آگاه و متعهد، انتخاب و اختیار شود. کلیه اشکال مبارزات غیر علنی زیر عنوان «تقیه» قرار می‌گیرد.

پیروزی مستضعفان آگاه و متعهد

آنچه در اینجا باید در رابطه با این مبحث، اضافه کنیم، این است که خداوند متعال چنین مبارزه‌ای را تداوم می‌بخشد. به جای هر شهیدی دهها و صدها مبارز و مجاهد جان برکف، می‌روید و همین‌ها هستند که هم به یاری مردم آزاده! و چه زمینه‌ای برای تداوم مبارزات ضد استکبار از این برتر و بالاتر! خداوند می‌فرماید:

: «به یاد آورید که در روی زمین عده شما کم و مستضعف بودید و می‌ترسیدید که مردم، شمارا گرفتار کنند و خداوند شمارا منزل داد و تائید کرد و از چیزهای پاکیزه، روزی داد که شکر کنید». (۱)

آیات قرآن به اینگونه مستضعفان نوید پیروزی داده و آنها را به آینده خویش امیدوار ساخته است. هیچ چیز برای یک انسان، بالاتر از امیدواری به آینده خود و هیچ چیز بدتر از یأس و نومیدی نیست.

پایه و مبنای تقسیمی که ما در مورد مستضعفین انجام داده و آنها را به آگاه و غیر آگاه، و آگاه راه متعهد و غیر متعهد تقسیم کرده‌ایم، الهام و استفاده‌ای است از خود قرآن کریم.

: «گروه مستکبران قوم صالح به مستضعفانی که (بدرجه آگاهی رسیده) و ایمان آورده (و بر اثر ایمان، تن به تعهد و مسئولیت داده بودند) گفتند: آها شما علم دارید که صالح فرستاده خداست؟»

مستضعفان گفتند: (بله) ما به رسالت او ایمان داریم.

۱- و اذکروا اذانکم قلیل مستضعفون فی الارض تخافون ان ینخطفکم الناس فآواکم و ایدکم بنصره و رزقکم من الطیبات لعلکم تشکرون (انفال ۲۸)

مستکبران گفتند: ما به همان کسی که شما ایمان دارید، کفر می‌ورزیم. (۱)
در گذشته از خود قرآن شاهد آوردیم که هارون (برادر حضرت موسی) نیز خود را
از مستضعفان میدانست و به دلیل استضعاف، خود را در برابر گوساله پرستی سامری،
غیر مقصوبی گناه می‌شمرد (سوره اعراف آیه ۱۵۰) موسی نیز، این عذر برادر را می‌پذیرد
و چنین می‌گوید:

«پروردگارا، مرا و برادرم را بیامرز و ما را داخل رحمت خویش گردان و تو ارحم
الراحمین» (۲)

این خود شاهی دیگر است که مستضعفان به دو گروه آگاه و ناآگاه، و آگاهان نیز
به دو گروه سازشکار و مبارز تقسیم می‌شوند. ناآگاهان، کفری ندارند. آگاهان متعهد به
پاداش، و آگاهان سازشکار به کفر می‌رسند. بدیهی است که قرآن با طرح این گونه
مطالب و مسائل اجتماعی، گامی مؤثر در راه تداوم بخشیدن به همه زمینه‌های ضد استکبار،
برداشته است.

۱- قال الملاء الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا لمن آمن منهم
اتعلمون ان صالحا مرسل من ربه قالوا انا بما ارسل به مؤمنون قال الذین
استکبروا انا بالذی آمنتم به کافرون (اعراف ۷۳ و ۷۵)

۲- رب اغفر لی ولاخی وادخلنا فی رحمتک و انت ارحم الراحمین (اعراف

(۱۵۱)

پایه از صفحه ۴۳

می‌کند. و نیز جریان خون را در بدن من-
جمله مفز مرتب نموده و در نتیجه پیران
احساس نشاط، آرامش، اعتماد به نفس و
شوق به کار پیدا می‌کنند. به موازات حرکت
کار و ورزش باید غذای سالمندان نیز متعادل
و خوب باشد. مخصوصاً لازم است حاوی
ویتامین‌های A و C و D و مواد معدنی
مثل کالسیوم و آهن باشد. نان کامل، میوه،
شیر تازه و ماست بسیار خوب است. سالمندان
باید گوشت کم‌تر از جوان‌ها مصرف کنند.

آنان چه با اندک ضربه‌ای استخوان‌های
آنان مخصوصاً استخوان کردن می‌شکند
که گاهی باعث خطرات جانی میشود.

تنها چیزی که می‌تواند از پوکی استخوان
جلوگیری کند، ورزش و کار است که در
اینصورت مواد معدنی مخصوصاً کالسیوم
در استخوانها باقی مانده و استحکام آنها را
حفظ خواهد کرد.

ورزش و تمرین در پیرها کم‌تر در را نیز
تخفیف می‌دهد و در بعضی به کلی خوب